خصائــص

امام حسین علیه السلام

نادر حسین عبداللهی


بسم الله الرحمن الرحیم

خصائص امام حسین علیه السلام

نویسنده:

نادر حسین عبداللهی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خصائص امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

نویسنده : نادر حسین عبداللهی

ناشر : نادر حسین عبداللهی

مشخصات امام حسین علیه السلام

نام: حسین (ع)لقب: سیدالشهدا.کنیه: ابوعبدالله.نام پدر: علی (ع)نام مادر: فاطمه زهرا (س)تاریخ ولادت: سوم شعبان.مدت امامت: ۱۱ سال.مدت عُمر: ۵۷ سال.تاریخ شهادت: دهم محرّم الحرام سال ۶۱ هجری.قاتل: شمر لعین.محل دفن: کربلای معلّا.تعداد فرزندان: به روایتی چهار پسر و دو دختر.

ولادت امام حسین علیه السلام

حضرت امام حسین (ع) در سال چهارم هجری، در مدینه منوّره، چشم به دنیا گشود و در سال پنجاه هجری، پس از شهادت برادر خود، به مقام امامت رسید و به ارشاد مسلمین پرداخت. معاویه در اواخر عمر خود، برای خلافت یزید، تلاش فراوان کرد تا از سیدالشهداء (ع) بیعت بگیرد اما با مخالفت شدید امام روبه رو گردید. یزید نیز پس از مرگ معاویه به فرماندارش در مدینه دستور داد تا از امام (ع) بیعت بگیرد یا ایشان را به قتل رسانده و سرِ او را برای وی ارسال دارند.وقتی که امام حسین (ع) اوضاع را آشفته دید، ناگزیر به همراه اهل بیت خود، مدینه را به قصد مکه ترک نمود. امّا وجود مبارک امام (ع) در مکه نیز در معرض خطر جدی قرار داشت و این احتمال قوت داشت که حضرت را مخفیانه ترور نمایند، لذا امام (ع) برای حفظ حرمت خانه خدا به طرف عراق حرکت نمود که در بیابان کربلا همراه اهل بیت و اصحاب خود در محاصره لشکر عبیداللهبن زیاد قرار گرفتند و در روز دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری، مظلومانه و به طرز فجیعی به شهادت رسیدند.

فرزندان امام حسین علیه السلام

فرزندان امام حسین شهید (ع) عبارتند از:علی اکبر (ع) که همراه پدرش در کربلا شهید شد. امام سجاد (ع)، محمد،عبدالله (علی اصغر) (ع) که در شش ماهگی در کربلا توسط حرمله در آغوش پدر به شهادت رسید و جعفر. دختران آن حضرت، حضرت زینب صغری، فاطمه صغری و سکینه بودند.

پسر رسول

در احادیث متعدد از اهل تشیع و تسنن نقل شده است که رسول گرامی اسلام (ص) راجع به حسنین (ص) فرمود:«خداوند، فرزندان هر پیامبری را از صلب آن پیامبر قرار داده، اما نسل مرا از صلب علی بن ابی طالب (ع) قرار داده است درحالی که فرزندان هر مادری را به پدرشان نسبت می دهند، مگر فرزندان فاطمه زهرا (س) را که من پدر ایشانم».به همین جهت در جنگ صفین، هنگامی که امام حسن مجتبی و امام حسین (ص) برای جنگ با معاویه شتاب می نمودند، امیرالمؤمنین علی (ع)

فرمودنـد:«آنـان را از نـبرد بازداریـد تـا مبـادا حسـنین شـهید شونـد و نسـل رسـول خـدا (ص) منقطع گردد!»اسـامه بن زیـد می گوید:«طَرَقْت ُالنبی ّ(ص) ذات لیله ٍفی بعض الحاجه ِفَخَرج َالنبی ّ(ص) و هو مُشْتَمِل ٌعلی شی ءٍ لا أَدْری ما هو، فَلمّا فَرَغْت ُ من حـاجتی، قلت ُ: مـا هـذا الّـذی أَنت َ مُشْـتَمِل ٌعلیه؟ قال:فَکَشَـفه فاذاً حسن ٌوحسـین ٌعَلی رَکَبتیْه، فقال: هـذان اَبنای وابنای إبْنَتِی، اللّهُم ّ إنّی اُحِبَّهُمـا، فَاحِبَّهُمـا وأَحِب ّ مَن ْ یُحِبُّهما؛ شبی در منزل پیامبر (ص) رفتم و در خانه را به صـدا در آوردم، دیـدم پیامبر (ص) ملحفه ای بر خود پیچیـده، ندانسـتم که آن چیست بعـد از برآورده شـدن حاجتم، گفتم: این چیست که خود را به آن پوشانـده ای؟! پیـامبر (ص) ملحفـه را برداشت. دیـدم حسن و حسـین بر روی زانـوی پیـامبر نشسـته انـد، آنگـاه فرمـود: این دوفرزندان من و

فرزندان دخترم می باشند، بارالها! من این دو را دوست دارم، پس تو هم آنان را دوست بدار و آنان را که این دو را دوست دارند نیز، دوست بدار».

افتخار ملائکه

یکی از ویژگی های وجود امام حسن و امام حسین (ص) در جهان خلقت، این است که آنان محل نزول و فرود ملائکه هستند؛ چنانکه در روایتی آمده است:«إنّ مَلکاً نَزَل مِن السَّماء علی صِفَه الطیر، فَقَعَدَ عَلی یَدِ النّبی (ص) فَسَلَّم علیه بالنّبوّه، وعَلی یَدِ علیٍ(ع) فَسَلَّم علیه بِالوَصِیَّه، وعَلی یَدِ الحسن والحسین، فَسَلَّم عَلَیْهِما بِالْخِلافَه، فقال رسول الله (ص): لِم لَم تَقْعُدْ عَلی یَدِ فلان؟ فقال: أَنَا لا أَقْعُدْ فی أرض عصی علیها الله، فَکَیْف أَقْعُد علی یَدٍ عُصَت الله؛»«بدرستی که فرشته ای از آسمان به صورت یک پرنده بر پیامبر فرود آمد و بر دست پیامبر نشست و به ایشان به عنوان نبوت سلام کرد، سپس بر روی دست علی (ع) نشست و بر وی به عنوان وصی پیامبر سلام کرد. سپس بر روی دست حسن و حسین (ص) نشست و بر ایشان به عنوان خلافت سلام کرد. پیامبر (ص) فرمود: چرا بر دست فلانی ننشستی؟! گفت: من بر روی زمینی که در آن خداوند را نافرمانی کنند، نمی نشینم، پس چگونه ممکن است بر روی دستی که خداوند را معصیت کرده، بنشینم».

صولت شکن یهود

در جریان مباهله، رهبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) مسیحیان نجران را برای پذیرش اسلام دعوت کرد؛ اما آنان حاضر شدند نخست با رسول خدا مذاکره کنند و از نزدیک با آن حضرت آشنا شوند؛ لذا جمعی از دانشمندان آنان که تقریباً هفتاد نفر بودند و برخی از ناظرین که جمعاً حدود سیصدنفر می شدند و در رأس این جماعت دو نفر به نامهای: «سید» و «عاقب» و طبق بیان بعضی از مفسّرین «جاثلیق» و «علقمه» بودند،برای مذاکره حضور یافتند.نخست از پیامبراسلام (ص) سؤال کردند: ای محمد!

هنوز فرزندی را دیده ای که بدون پدر متولد شود؟! و اگر ندیده ای چگونه ادعا داری که عیسی پسر مریم است ولی پدر ندارد!؟در این هنگام، خداوندمتعال این آیات نورانی را برای حضرت نازل فرمود:(فَقل تعالوا نَدْع ُأبنائنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم)؛«بگو بیایید ما فرزندان مان و زنان مان و خودمان را و شما نیز فرزندان تان و زنان تان و خودتان را بخوانید، آنگاه با هم مباهله نماییم و سپس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».در پی نزول این آیات شریفه، رسول خدا (ص) به آنان پیشنهاد مباهله داد. سید وعاقب که از علمای بزرگ مسیحی بودند، پیشنهاد را قبول کردند و ضمناً یک شب را مهلت خواستند تا برای مباهله حاضر شوند. علمای مسیحی نزد اسقف رفته و گفتند:رهبر مسلمانان به ما چنین پیشنهادی کرده است. نظر شما چیست؟اسقف که مردی هوشمند بود گفت: فردا ملاحظه کنید محمد با چه افرادی برای مباهله می آید، اگر به همراه خانواده خود بیاید، با او مباهله نخواهیم کرد، اما اگر با اصحاب و یاران خود، باشد، مباهله ضرری ندارد.روز بعد، علمای نصاری و اسقف آنان، مشاهده کردند که رسول خدا (ص) با برخی ازهمراهانش به سوی محل مباهله در حرکت است. اسقف، اطرافیان پیامبر را نمی شناخت.لذا پرسید: همراهیان پیامبر چه کسانی هستند؟اطرافیان او گفتند: جوانی که پشت سر محمد است، علی پسر عم ّاوست و آن دو کودک نیز نوه های او حسن و حسین و آن زن هم فاطمه زهرا دختر اوست.وقتی اسقف مشاهده کرد که پیامبر با نزدیکترین و عزیزترین کسانش به مباهله آمده گفت: ای پیروان مسیح! به خدا سوگند من

در چهره آنان چنان آثار حقانیت و ایمانی را ملاحظه می کنم که اگر دعا کنند، کوهها از جا کنده خواهد شد، لذا به پیامبر (ص) عرضه داشت: ما حاضر به مباهله نیستیم و هرکس بر دین خود بماند!حضرت محمد (ص) آنها را دعوت به اسلام کرد ولی آنان اسلام را نپذیرفتند.حضرت فرمود: من شما را مجازات خواهم کرد. آنان گفتند: ما نیروی جنگ با اعراب را نداریم بلکه با شما بر این اساس صلح می کنیم که در هر سال برای شما دو هزار حُلّه بدهیم. رسول گرامی اسلام (ص) این پیشنهاد را پذیرفت و صلحنامه را نوشت و مهر وامضانمود.

منابع جریان مباهله

برخی از منابع مباهله عبارتند از: صحیح مسلم، طبع مصر، ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن ترمذی، طبع مدینه، ج ۴، ص ۲۹۳؛ تفسیر طبری؛ مسند حنبل، طبع بیروت، ج ۱،ص ۱۸۵؛ احکام القرآن، جصاص، طبع بیروت، ج ۳، ص ۱۴؛ مستدرک حاکم، طبع حیدرآباد دکن، ج ۳، ص ۱۵۰؛ معرفت علوم حدیث، حاکم نیشابوری، طبع مصر، ص ۵۰؛ دلائل النبوه، ابی نعیم، ص ۲۹۸؛ مصابیح السنه، بغوی، طبع مصر، ج ۲ ص ۲۰۴؛ معالم التنزیل،بغوی، ج ۱، ص ۳۰۲؛ اسباب النزول، واحدی، ص ۷۵؛ کشّاف زمخشری، طبع ایران، ج ۱،ص ۳۶۸؛ عمده ابن بطریق، طبع ایران، ص ۹۵؛ تفسیر کبیر، فخر رازی، طبع مصر، ج ۸،ص ۸۵؛ جامع الاصول، ابن اثیر، طبع مصر، ج ۹، ص ۴۷۰؛ شفاب تعریف حقوق المصطفی، قاضی عیاضی، طبع مصر، ج ۲، ص ۳۶؛ مناقب خوارزمی، چاپ نجف، ص ۹۶؛ تاریخ کامل، ابن اثیر، طبع مصر، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ذخائر العقبی، محب الدین طبری، طبع مصر، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ریاض النضره، محب الدین طبری، ج ۲، ص ۲۴۸؛ انوار التنزیل،بیضاوی، طبع ایران، ص ۴۷؛ اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۵؛ کفایه الطالب، گنجی شافعی،طبع نجف، ص ۵۵؛ مطالب السؤل،

محمـد بن طلحه شافعی؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی، چاپ ایران، ص ۸؛ تفسـیر قرطبی، طبع مصر، ج ۴، ص ۱۰۴؛ تفسیر السنفی،ابوبرکات، طبع مصر، ج ۱، ص ۱۶۱؛ البدایه والنهایه، ابن کثیر، طبع بیروت، ج ۵، ص ۵۴؛تفسیر ابن کثیر، طبع مصر، ج ۱، ص ۳۷۰؛ تفسیر بحرالمحیط، ابی حیان اندلسی،طبع مصر، ج ۲، ص ۴۸۰؛ نهر الماء من البحر المحیط، ابی حیان اندلسی، ج ۲، ص ۴۸۹؛تفسیر الخازن، علاء الدین علی بن محمد، طبع مصر، ج ۱، ص ۳۰۳؛ مشکاه المصابیح،ولی الدین محمد بن عبدالله خطیب عمری تبریزی، طبع دهلی، ص ۵۶۸؛ غریب القرآن نیشابوری، طبع ایران، ج ۱، ص ۳۲۹؛ الاصابه ابن حجر، طبع بغداد، ج ۲، ص ۵۰۹؛ تفسـیر جلالین، ملا الـدین محمد بن احمد شافعی، ص ۴۶؛ فصول المهمه ابن صـباغ، طبع ایران،ص ۷؛ صواعق المحرقه ابن حجر، درالمنثور سـیوطی، تفسیر ابوالمسعود در حاشیه تفسیرفخررازی، طبع مصر، ج ۳، ص ۱۴۳؛ سیره الحلبیه علی بن برهان شافعی، طبع مصـر، ج ۳،ص ۲۴۰؛ فتـح القدیر، شوکانی، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ینابیع الموده، شـیخ سلیمان، طبع بمبئی، ص ۴۳؛ نورالابصار، شـبلنجی، طبع مصر، ص ۱۲۲؛ تفسیر روح المعانی، آلوسی، طبع مصر،ج ۲، ص ۱۶۷؛ التاج، شیخ منصور علی نـاصف، طبع دوم، ج ۳، ص ۲۹۶؛ سـیره نبویه، سـیداحمد زینی دحلان، در حاشـیه سـیره حلبیه، طبع مصر، ج ۳، ص ۲؛ تفسیر المنار، طبع مصـر،ج ۳، ص ۳۲۲؛ تفسـیر الواضـح، محمد محمود حجازی، ج ۳؛ تفسـیر المنار، ص ۳۲۲؛ جواهر طنطـاوی، طبع مصر، ج ۲، ص ۱۲۰؛ حسن الاسوه، صدیق حسن خان، ص ۳۲؛ تیصیر الرحمن علی مهایمی، ج ۱، ص ۱۱۴؛ مبارق بمبئی، ص ۱۰۶؛ تفسیرالقرآن کاشفی، طبع بمبئی، ص ۹۲.

محب خدا و پیامبر

در کتب معتـبر اهـل تشیّع و تسـنن، روایـات فراوانی وجود دارد که رسول خـدا (ص) فرموده است: «مُحِب ّامـام حسن و امـام حسـین، مُحِب ّمن است و هر کس که مُحِب ّمن باشـد، مُحِب ّخداونـد است.دشـمنان آنـان، دشـمن من هسـتند، هرکس که دشمن من باشد، دشمن خداوند است».در این رابطه به چند نمونه از روایات اشاره

می کنیم:ابوهریره گوید: «خرج علینا رسول الله (ص) و معه الحسن و الحسین... فقال: رجل یا رسول الله انک لتحبهما؟قال رسول الله (ص) من احبهما فقد احبنی و من ابغضهما فقد ابغضنی». روزی پیامبر (ص) به همراه حسن و حسین از منزل بیرون آمد، مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا این دو را دوست می داری؟! پیامبر (ص) فرمود: هر کس این دو را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هر کس این دو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است».سلمان فارسی گوید پیامبر (ص) فرمود: «الحسن والحسین، من احبهما احببته و من احببته احبه الله و من احبه الله، ادخله جنات نعیم و من ابغضته، ابغض الله و من ابغضه الله، أدخله جهنم و له عذاب مقیم». کسی که حسن و حسین را دوست بدارد، من او را دوست می دارم، و کسی را که من دوست داشته باشم، خداوند نیز او را دوست دارد، و هرکس را که خداوند دوست داشته باشد، او را وارد بهشت برین می کند و هر کسی را که من او را دشمن بدارم، خداوند او را دشمن خواهد داشت، و هر کسی که خداوند او را دشمن بدارد،او را داخل دوزخ می کند.»

گل بهشت

در این جهان، خداوند عالَم، موجودات گوناگونی را آفریده است، یکی از آن موجودات، گلهای معطّر و زیباست که انسان به آنها علاقه فراوان دارد، لکن امام حسن و امام حسین (ص) گلهایی هستند که در سرتاسر عالم، جلوه کرده و نورهایی هستند که عالم دنیا و آخرت را نورافشانی نموده اند؛ چنانکه رسول خدا (ص) فرمود:«إنَّکما مِن ٭رَیحان ِ الله... فقال قوم ٭! أَتُحبُّهما یا رسول الله؟ فقال: ما لی اُحِب ٭رَیْحانَتی مِن ٭الدُّنیا»؛

پیامبر فرمود: امام حسن و امام حسین (ص) گلهای خداوند هستند.برخی، سؤال کردند ای رسول خدا! آیا این دو را دوست می داری؟! پیامبر (ص) فرمود: چرا دوست نداشته باشم، این دو گلهای من در دنیا می باشند».شریف رضی گوید: تشبَّه بالرَّیحان لانَّ الوَلَد یشمّ و یضمّ کما یشمّ الرَّیحان واصل الرَّیحان مَأخوذٌ من الشی ء الّذی یتروّح إلیه ویتنفَّس من الکرب به».

روح عبادت

چنان که در این عالَم، هر چیزی دارای روح و حیات و دارای رشد و کمال است،تمام عبادات بشر نیز دارای روح می باشد. در روایات متعدد روح عبادت، وجود نازنین امام حسن و امام حسین (ص) معرفی گردیده است، بنابراین همان طور که سایر اجسام عالَم، اگر دارای روح حیاتبخش نباشند، یقیناً دارای رشد و کمال نخواهند بود، عبادات بشر نیز بدون معرفت امام حسن و امام حسین (ع) ارزشی نخواهد داشت، در این باره، چندنمونه از روایات را بیان می کنیم:اَنس بن مالک گوید: «کان رسول الله (ص) یسجُد، فیجِی ء الحسن و الحسین فیرکب ظهرِه، فیطیل السُّجُود. فیقال له: یا نبیّ اطلت السجود؟! فیقول رسول الله (ص): ارتحلنی إبنی فکرهت أَن اعجلهما؛ گاهی پیامبر در حال سجده بود که حسن و حسین (ص) می آمدند و بر دوش پیامبر سوار می شدند و پیامبر (ص) سجده را طولانی می نمود. به او گفته شد ای پیامبرخدا! سجده را طولانی نمودی؟ پیامبر فرمود: این دو فرزندم بر دوشم سوار بودند و کراهت داشتم که در پیاده کردن آنها شتاب کنم»نسائی از عبدالله بن شاذان از ابیه نقل می کند که گفت: «خَرَج علینا رسول الله (ص) فی احدی الصّلاتی العِشاء و هو حامل حَسَناً فَتَقدّم النبیّ (ص) فوضعه، ثمّ کَبَّرَ للصّلاه،فَصَلّی، فَسَجَدَ بَیْن ظَهْرانی صلاته سَجْدَه فاَطالَها. قال أبی: فَرَفْعَت رَأسی

فاذاً الصبی عَلی ظهْرِ رسول الله (ص) وهو ساجدٌ! فرجَعْت إلی السجُود، فَلَمّا قَضی رسول الله (ص) الصَّلاه،قال النّاس: یا رسول الله (ص) إنَّک سَجَدْت بین ظُهْرانی صَلاتَک سجده أَطَلْتَها حتّی ظَنَنْت إنّه قَدْ حَدَث أمرٌ أو أَنَّه یُوحی إلَیْک؟! قال (ص): کُل ذلِک لَم یَکُن ولکن إرْتَحَلَنِی فَکَرِهْت أَن اُعَجِّلُه حتّی یَقْضِی حاجَته؛«روزی، پیامبراکرم (ص) در یکی از نمازهای عشا به همراه امام حسن (ع) به مسجد آمدند. حضرت به محراب رفتند و امام حسن را در کنار خود نهاد. سپس تکبیر گفت و به نماز ایستاد و هنگامی که در نماز به سجده رفتند و سجده را طولانی کردند؛ پدرم گفت:من سرم را از سجده برداشتم و دیدم پسری بر دوش پیامبر سوار شده است، در حالی که پیامبر در سجده است. من دوباره به سجده برگشتم. هنگامی که پیامبر نماز را تمام کرد؛مردم گفتند: ای رسول خدا! در میان نماز، سجده را طولانی فرمودی تا اینکه گمان کردیم که امری حادث شده یا بر تو وحی نازل می شود!پیامبر (ص) فرمود: هیچ کدام از آنها رخ نداده؛ بلکه پسرم حسن بر دوشم سوار بود،لذا کراهت داشتم که در پایین آوردن او شتاب کنم».

آقای جوانان بهشت

در روایات فراوانی از منابع شیعه و اهل سنت رسیده است که امام حسن و حسین (ص)، آقای جوانان اهل بهشت هستند؛ چنانکه حذیفه از پیامبر اسلام (ص) چنین نقل می کند:«أَما رَأَیت العارِض الّذی عَرَض لی؟ قلت بَلی. قال: ذاک مَلَک لَم یَهِب إلی الارض قَبْل السّاعَه، فَاستَأذَن اللهُ تَعالی أَن یُسَلِّم عَلَیَ و یُبَشّرَنی أَن الحَسن و الحُسین سَیّداًشباب أَهْل الجَنَّه، وأَن فاطمه سَیّدَه نِساءِ أَهل الجَنَّه».«آیا ندیدی آنچه بر من عارض شد؟ گفتم: چرا؟

پیامبر (ص) فرمود: این فرشته،تاکنون به زمین فرود نیامده است، اکنون از خداوند متعال اجازه خواسته که به من سلام کند و بشارت بدهد. به درستی که امام حسن و امام حسین (ص) آقایان جوانان بهشت هستند و مادرشان فاطمه، سیده زنان اهل بهشت است».ابو عبدالله امام صادق (ع) نیز فرمود:«هُما والله سَیّدا شباب اهل الجنّه من الاوّلین و الاخرین»؛ «امام حسن و امام حسین (ص) آقایان جوانان اولین و آخرین بهشت می باشند».

بر دوش رسول خدا

در روایات متعدد رسیده که امام حسن و حسین (ص) بر دوش پیامبر (ص) می نشستند.در این باره به چند روایت اکتفا می کنیم:۱ سمعانی در فضائل، از اَسْلَم ،غلام عُمَر، از عمر بن خطاب نقل می کند که: «رأیتُ الحسن َ والحسین َ عَلی عاتِقی رسول الله (ص) فقلت ُ: نِعْم َ الْفَرَس ِ لکما؟! فقال رسول الله (ص): وَنِعْم َ الفارِسان هُما».عمر گفت: روزی دیدم حسن و حسین بر شانه پیامبر سوارند. گفتم: بهترین اسب را دارید! پیامبرخدا (ص) فرمود: اینها بهترین سوارانند».۲ جابربن عبدالله گوید: «دَخَلْت ُ عَلی النَّبِی (ص) وهو حامل ُ الحسن َ و الحسین َ علی ظَهْرِه وهو یَمْشِی بِهِما. فقلت ُ: نِعْم َ الْجَمَل ِ! ونِعْم َ العَدْل ِ اَنْتُما». بر پیامبر اسلام وارد شدم،در حالی که راه می رفت و حسن و حسین را بر دوش خود نهاده بود. به حسن و حسین گفتم: بهترین شتر، شتر شماست!».۳ در روایتی آمده است:«نِعْم َ المرکب رکبتما یا غلامین؟! فقال رسول الله (ص): و نِعْم َ الراکبان هما...؛» بر بهترین مرکب، سوار شده اید ای دو پسر!پیامبر (ص) فرمود: این دو، بهترین سوارانند».

زینت عرش

در آیات و روایات متعدد، خداوندمتعال، بزرگی و کرامت انسان را در تقوا و رعایت عدالت دانسته و جوامع بشری را به رعایت این دو دعوت می کند. امام حسن و حسین (ص)،به خاطر تقوا و پرهیزکاری که داشتند، زینت عرش الهی به شمار رفته اند؛ چنانکه در روایتی از رسول خدا (ص) چنین آمده است:«إذا کان َ یوم َ القیامه ِ زَیَّن َ عَرْش الرّحمن بِکُل ِّ زِینَه ٍ ثُم َّ یُؤتی مِنْبَرَیْن ِ مِن ْ نُورٍ، طُوْلِهما مِائَه ُ مِیْل ٍ فَیُوضَع ُ أَحَدِهِما عَن ْ یَمِین ِ الْعَرْش ِ وَالاخَرُ عَن ْ یَسارِ الْعَرْش ِ، ثُم َّ یُؤتی بالحسن ِ و الحسین ِ وَیزیْن ُ الرب ّ تبارک وتَعالی بِهِما عَرْشَه ُ کَما تَزَیَّن َ المرأه ُ قرطباها؛»هنگامی که روز قیامت برپا و عرش

رحمان به تمام زینتها مزیّن شود، دو منبر از نور آورده می شود که طول آن دویست میل است؛ یکی را به سمت راست عرش و دیگری را بر سمت چپ عرش می گذارند، سپس حسن و حسین را می آورند تا خداوند عرش خود را به آنها مزیّن فرماید؛ مانند زن که او را گوشواره مزیّن کرده است».

زینت بهشت

در روایات متعددی وارد شده است که امام حسین (ع) زینت بهشت محسوب می شود، ما فقط به نقل یک روایت بسنده می کنیم:«واِنَّ الجنَّه قالت: یارب اِسْکَنْتَنِی الضُّعَفاء والمساکین! فقال الله: اَلا تَرْضِیْن اَنّی زَیّنتُ اَرْکانَک بالحسن والحسین؟»«هنگامی که بهشت صدا می زند پروردگارا! ساکنان من همه فقیران و بیچارگانند!خطاب می رسد آیا با اینکه حسن و حسین (ص) ساکنان تواند؛ هنوز راضی نیستی؟!».

نور خدا

وجود تمام معصومین: نور خداوند هستند، مخصوصاً وجود با برکت امام حسن و امام حسین (ص). اگر کسی به سوی نور، حرکت کند، باید دارای عدالت، تقوا و رهایی از هواهای نفسانی باشد؛ زیرا با گناه و معصیت که ظلمت و تاریکی است رسیدن به نورامکان ندارد. لذا در آیات و روایات متعدد آمده است که نور امامان سبب هدایت است: از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود:«لَمّا خَلَقَ اللهُ الجَنَّه، خَلَقَها مِن نُورِ وَجْهِهِ، ثُم أَخَذَ ذلِک النُّورَ فَقَذَفَه فَأَصابَنِی ثُلْثُ النُّور، وَأَصاب فاطِمَه ثُلْثُ النّورِ، وَأَصاب عَلِیّاً وَأَهْل بَیْتِه ثُلْثُ النُّورِ، فَمَن أَصابَه مِن ذلِک النُّورِ اِهْتَدی إلی وِلایَه آل مُحمّدٍ، وَمَن لَم یُصِبْه مِن ذلِک النّورِ ضَلَّ عَن وِلایَه آل محمّدٍ».«هنگامی که خداوند، بهشت را از نور خود آفرید، سپس آن نور را پراکنده کرد، به من و فاطمه یک سوم از آن نور رسید و به علی و اهل بیتش یک سوم از آن نور رسید. پس به هرکسی که از آن نور برسد، به ولایت آل محمّد (ص) هدایت پیدا می کند و به کسی که از آن نور نرسد، به ولایت آل محمد:، گمراه می شود».

محرومان از شفاعت

در احادیث متعدد وارد شده که در روز قیامت وقتی که مردم وارد محشر می گردند،گروهی، از شفاعت معصومین: و پیامبراکرم (ص) محرومند، بر طبق روایات فراوان،علت محرومیت آنها عدم توجّه به امام حسن و امام حسین (ص) است، چنانکه امام صادق (ع) فرمود:«قال رسول الله (ص): من أَبْغَض الحَسَن و الحسین (ع) جاءَ یَوم القِیامَه وَلَیْس عَلی وَجْهِه لَحْمٌ وَلَم تَنَالَه شَفاعَتِی».پیامبرخدا (ص) فرمود: کسی که با حسن و حسین دشمنی کند، در روز قیامت درحالی می آید که در صورت او گوشت وجود ندارد و هرگز شفاعت

من به او نمی رسد.»

نجات دهنده دوزخیان

کسانی که امام حسن و امام حسین (ص) را بشناسند، گناهانشان آمرزیده می شود و در روز قیامت، به زیارت آنان مفتخر می گردند و از آتش جهنم رهایی پیدا می کنند؛چنانکه ابوذر غفاری گوید:«رَأَیْتُ رسول الله (ص) یقبل الحسین بن علیّ بن ابی طالب (ع) و هو یقول: من أَحبّ الحسن والحسین وذرِّیتهما مخلصاً لم تلفح النار وجهه، ولو کان ذنوبه بعدد رمل عالجٍ إلاّ أَن یکون ذنباً یخرجه من الإیمان».«دیدم پیامبر (ص) روزی حسین بن علی بن ابی طالب را می بوسید و می فرمود:کسی که حسن و حسین و فرزندان این دو را از روی اخلاص، دوست بدارد؛ آتش جهنم صورت های آنها را نمی سوزاند؛ گرچه گناهان آنان به عدد ریگ های زیر دریا باشد؛ مگراینکه آن گناه، گناهی باشد که آنان را از دین خارج کند».علی (ع) فرمود: «زارنا رسول الله (ص) و باتَ عندنا و الحسن و الحسین نائمان،فاستقی الحسن، فقام رسول الله إلی قربهٍ لنا... فاهوی بیده إلی الحسین وبدء بالحسن فقالت فاطمه: یا رسول الله! أحبُّهما إلیک؟ قال: لا، ولکنّهُ استقی اَوّل مرّهٍ، ثمّ قال رسول الله (ص) أنا و إیّاک وهذین وهذا الرّاقد یعنی علیّاً یوم القیامه فی مکانٍ واحد».«روزی، پیامبر (ص) به دیدن ما آمد و شب را آن جا بیتوته کرد و حسن و حسین خواب بودند. هنگام شب، حسن بیدار شد و آب خواست. پیامبر (ص) برخاست و از مشک آب آورد. حسین نیز بیدار شد. پیامبر (ص) نخست آب را به حسن داد. فاطمه (س) فرمود:مثل این که حسن نزد تو محبوب تر است. پیامبر (ص) فرمود: نخیر! بلکه اول حسن آب خواسته بود. سپس پیامبر فرمود: من و تو و این دو حسن و حسین

و این که خوابیده علی روز قیامت در یک جا هستیم».

روح پیامبر

رسول گرامی اسلام (ص) موارد متعدد، درباره فضیلت حسنین (ص) احادیث فراوانی را بیان کرده اند، از جمله فرمود:«حسین منّی و انا من حسین، أَحب َاللهُ من أحب َحسیناً» «حسین از من و من نیز از او هستم، کسی که حسین را دوست بدارد، خداوند نیز او را دوست دارد».همچنین رسول خدا (ص) به حسین (ع) فرمود: «هذا منّی وأنا منه، وهو یَحْرُم علیه ما یَحْرُم عَلَیَ».«این (حسین) از من است و من از او و هر آنچه بر او حرام است بر من (نیز) حرام است».

آیینه تمام نمای پیامبر

تمام شخصیت رهبر و پیشوای عالم بشریت، حضرت محمد مصطفی (ص) در وجود نازنین حسنین (ص) متجلی بود؛ چنانکه در این مورد، احادیث فراوانی وجود دارد، به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:علی (ع) فرمود: «الحسن أَشْبَه برسول الله (ص) ما بین الصدر إلی الرّأس، والحسین ُأَشْبَه ُبالنّبی (ص) ما کان أَسْفَل َمِن ْذلِك َ».علی (ع) فرمود: حسن، شبیه رسول خدا (ص) از سینه به بالاست، و حسین شبیه رسول خداست از سینه به پایین».همچنین فرمود: «مَن ْأَرادَ أَن ْیَنْظُرَ إلی وجه رسول الله (ص) من رأسِه ِإلی عُنُقِه ِفلینظُرَ إلی الحسن ِ، ومن أَرادَ أَن ْینظر إلی ما لَدُن َعنقه إلی رِجْلِه ِ فلینظر إلی الحسین، إقْتَسَماه ُ».هرکس می خواهد از سر تا گردن به رسول خدا (ص) بنگرد، پس به حسن بنگرد وهرکس می خواهد از گردن به پایین به رسول خدا (ص) بنگرد، به حسین بنگرد. این دو شباهت پیامبر را در میان خود تقسیم کرده اند».

کلید بهشت

حقیقت عالَم هستی، عالم اسباب و مسببات است. چنانکه در دنیا، هر انسانی برای رسیدن به اهدافش، اسباب و وسایلی را فراهم می کند. در روز قیامت نیز انسان احتیاج به اسباب دارد. اینک سؤال این است که اسباب آبرومندی برای بشر در روز قیامت نزد خداوند چیست؟ فرزندان، مال و ثروت و یا چیزی غیر از اینهاست؟در احادیث فراوانی اسباب آبرومندی در روز قیامت، امام حسن و امام حسین (ص) معرفی گردیده اند: چنانکه علی بن ابی طالب (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود:«فی الجنَّه ِ درجه ٌ تُدْعی الوسیله، فإذا سأَلْتُمُوا الله فسألوا إلی الوسیله، قالوا:یارسول الله! من یسکن معك فیها؟قال (ص): علی ٌو فاطمه والحسن ُوالحسین ُ» «در بهشت درجه ای است که به آن وسیله گفته می شود، هنگامی که

از خداونـد سؤال گردیـد از آن وسـیله سؤال کنید، گفتند: ای رسول خدا! در آن درجه، چه کسانی با تو هسـتند؟ فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین».

امام حسین علیه السلام و حدیث کساء

در روایـات متواتری وارد شـده است که همه پلیـدی هـا از وجود معصومین (ع) برداشـته شـده است، اینک به نمونه ای از آنها اشاره می کنیم:عمربن ابی سلمه پسرخوانده پیامبراکرم (ص) نقل کرده که پیامبر (ص) فرمود:«نزلت هذه الایه علی النبی (ص) (إنّما یریـد الله لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت ویطهّرکم تطهیراً) فی بیت ام ّسـلمه، فدعا النبی ّ(ص) فاطمه و حسـناً و حسـیناً فحللهم بکسـاءٍ وعلی ٌّخلف ظهره فحلله بکسـاءٍ ثم ّقـال: اللّهم ّهؤُلاـء أهل بیتی فاذهب عنهم الرّجس وطهِّرْهم تطهیراً قالت ام ّسلمه: وأنا معهم یا نبی ّالله؟ قال: أنت ِعلی مکانک و أنت ِإلی خیرٌ».هنگامی که آیه: «همانا خداونـد می خواهـد پلیـدی را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شـما را پاک سازد»، بر پیامبر (ص) در خانه ام سـلمه نازل گردید، پیامبر، حضرت فاطمه،حسن و حسـین را صـدا زد، پس ایشان را به کساء پوشانـد و علی پشت سـر پیامبر قرار داشت او را نیز پوشانـد؛ سپس فرمود: بارالها! اینان اهل بیت من هسـتند، پس دور کن از ایشان پلیدی را و ایشان را کاملاً پاک گردان. ام سـلمه گفت: من نیز با شـما هسـتم ای رسول خدا! پیامبر (ص) فرمود: تو در جای خود باش که عاقبت تو به خیر است».

پاکی امام حسین علیه السلام

ام سـلمه گویـد که رسول خدا (ص) فرمود: «اَلا إن ّمسـجدی حرام علی کل ّحائض من النّساء وکل ّجنب من الرّجال إلّا علی محمّد واهل بیته علی ٌّو فاطمه و الحسن و الحسـین رضی الله عنهم».«آگاه باشید! به درستی که مسجد من بر هر زن حائض و بر هر جنب از مردها حرام است؛ مگر اهل بیتم، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع).

نام گذاری امام حسین علیه السلام

مورخان شیعه و سنّی در کتب روایی، تاریخی و تفاسیر خود در مورد نام گذاری حسنین (ص) بیانات فراوانی دارند که ما تنها به ذکر یک نمونه از آنها اکتفا می کنیم:«الحسن بن علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف القرشی الهاشمی ابومحمـد سـبط النبی (ص) و امّه فـاطمه بنت رسول الله (ص) سـیده نسـاء العـالمین و هو سـید شـباب اهل الجنّه و ریحانه النبی ّ(ص) و شبیهه سـماه النبی ّ(ص) الـخ وهو رابع اهل الکساء».«حسن فرزنـد علی بن ابی طالب فرزنـد عبـدالمطلب فرزنـد هاشـم فرزند عبدمناف قریشـی هاشمی، ابومحمد سبط رسول خدا (ص)، مادرش فاطمه دختر رسول خدا (ص) سیده زنان دو جهان و سرور جوانـان اهـل بهشت و گلهای پیامبر و شبیه پیامبر است که پیامبر او را ریحانه نام نهاده است و ایشان چهارمین اهل کساء می باشد».ابواحمد عسـکری گوید: «سـمّاه النبی ّ(ص) و کنّاه أبا محمّد ولم یکن یعرف هذاالاسم فی الجاهلیه».«پیامبر نام او را حسن نهـاد و شـهرت او را ابومحمـد و این اسم در جـاهلیت معروف نبود».مفضّل گویـد:«اِن َّاللّه حَجَب َاسم الحسن والحسـین حَتّی سـمّی بهما النبی ّ(ص) ابنیه الحسن الحسین. قال: فقلت له: فاللذین بالیمن قال: ذاک حسن ساکن سین وحسین بفتح الحاء وکسر السین ولا یعرف قبلها الا اسم رمله فی بلاد ضبه و...».«به

درستی که خداونـد اسم حسن و حسـین را مخفی نمود تـا اینکه پیـامبر آن دو را به این اسم نام نهاد. به او گفتم: آن دو که در یمن هسـتند چه؟ گفت: آن حسن با سـکون حرف سـین و حسـین با فتح حاء و کسر سین می باشد و هرگز این اسم قبل از این شناخته نشده بود مگر نام رمله در بلاد ضـبه و...».پیامبر (ص) فرمود: «حسن سـبط من الاسباط».قال الراوی: «وكان حليماً كريماً ورعاً دعاه ورعه و فضـله إلى أن ترک الملک الدنيارغبه فيما عند الله تعالى و... وای ّ شـرف أعظم منشـرف مَن سـماه رسول الله (ص).»«حسن، سبطی از اسباط است». راوی می گوید: «امام حسن، بردبار، بخشنده و باتقوا بودند که تقوا او را دعوت به ترک خلافت دنیا نمود و متمایل بود به آنچه نزد خداونـد هست و... و چه شـرفی بزرگتر از شـراف کسـی است که او را رسول خدا (ص) نـام نهـاده است».ابوبکربن دریـد گویـد: «قام الحسن بعـد موت أبيه أميرالمؤمنين فقال: بعـد رحمه الله عزّوجل ّ أنا والله ما ثنانی عن أهل الشّام شک ولا نـدم وإنّما كنّا نقاتل أهل الشام بالسـلامه و الصبر و...»«امام حسن بعد از رحلت امیرمؤمنان به منبر رفت و بعـد از فرسـتادن درود و رحمت خداونـدی بر پـدرش فرمود: من به خـدا قسم از جنگ با شامیان روی نگردانم و نه در جنگ با آنها شک دارم و پشـیمان هستم، ما با شامیان می جنگیدیم در مقابل سلامت و بردباری».احادیثی که در مورد فضیلت اهـل بیـت: در کتب معتبر اهـل تسـنن وارد گردیـده،قابـل احصـا نیست و لـذا تنهـا به ذکر برخی از منـابع و مؤلّفین اکتفـا می کنیم:علامه دولابی، در الکنی و الاسماء،

ج ۲، ص ۱۲۱، طبع حیدرآباد دکن، حافظ احمد بن حنبل در مناقب، ص ۱۲۲؛ طبرانی در معجم الکبیر، ص ۱۳۴ خطی؛ ابن حجر عسقلانی در الاصابه، ج ۱، ص ۳۲۵، طبع مصر؛ کنزالعمّال، متقی هندی، ج ۵، ص ۹۶،طبع میامیه مصر؛ مجمع الزواید، ابی بکر هیثمی، ج ۹، ص ۱۶۶، مکتبه قدسی، قاهره؛ینابیع الموده، شیخ سلیمان بلخی، ص ۲۲۸، طبع اسلامبول و ص ۱۶۷؛ تاریخ ابن عساکر؛محب ّالدین طبری در ذخایرالعقبی، ص ۲۱، طبع قاهره؛ حافظ نهبانی در شرف النبی،ص ۲۲۵. مفتاح نجاء، ص ۱۴؛ کنوز الحقایق مناوی، ص ۲۶، طبع بولاق مصر؛ینابیع الموده، ص ۱۷۹، طبع اسلامبول؛ عبدالله حنفی در ارجح المطالب، ص ۳۲۳، طبع لاهور؛ ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان، ج ۶، ص ۲۴۳، طبع حیدرآباد دکن و ج ۴، ص ۳۵۴؛ میزان الاعتدال ذهبی، ج ۲، ص ۲۸۱، طبع قاهره. کفایه المطالب، ص ۹۸، طبع الغری؛ ارجح المطالب، ص ۴۵۸، طبع لاهور؛ کفایه المطالب، ص ۱۷۸؛ جمال الدین ابن حنویه در بحرالمناقب، ص ۷۸ خطی؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۲، طبع قاهره؛ حدیث ۳، ینابیع الموده، ص ۲۵۶ اسلامبول؛ مستدرک حاکم، نیشابوری، ج ۳، ص ۱۶۰،طبع حیدرآباد دکن؛ کفایه الطالب، ص ۲۷۸؛ تلخیص مستدرک، ذهبی، ج ۳، ص ۱۶۰؛میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۳۴، طبع قاهره؛ الاصابه، ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۵۰۷،طبع مصر، ج ۴، ص ۳۶۷؛ مفاتح نجا، ص ۱۵، خطی، ص ۱۶ و ۱۱۳؛ الکنی و الاسماء، ج ۲، ص ۱۶۰، طبع حیدرآباد دکن؛ بحرالمناقب، احمد حنفی موصلی، ص ۱۱۶، خطی وص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ ذهبی در میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۸۳، طبع قاهره، ج ۱، ص ۴۶۳، ص ۸۲ و ۲۲۰، ص ۳۲، مناقب خوارزمی، ص ۹۰، طبع تبریز، ص ۸۲

و ۲۴۰؛ ینابیع الموده،ص ۲۴۵، طبع اسلامبول، ص ۱۳۱، ۲۶۱، ۲۳۰، ۱۹۴، ۳۵، ۱۷۲، ۱۶۴، ۱۹۴، ۲۱۳، ۲۶۰،۲۲۷، ۸۹، ۲۵۹، ۲۴۷، ۲۳۶، ۲۴۴، ۳۱۲ و ۳۳۲، صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۶، طبع صاوی مصر؛ نزهه المجالس، صفوری، ج ۲، ص ۲۲۲، طبع قاهره، ص ۲۳۲ و ۲۳۳؛فضایل صحابه، ج ۲، ص ۲۶۰، خطی و ۲۵۸ ابن حجز هیثمی در صواعق المحرقه، ص ۲۳۰، طبع عبداللطیف، مصر، ص ۱۵۸؛ لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۹۴،طبع حیدرآباد، ج ۳، ص ۲۷۵؛ عبدالله شافعی در مناقب، ص ۲۰۹ خطی، ارجح المطالب تسری، ص ۳۱۲، طبع لاهور، ص ۵۱۲، ۳۰۹، ۳۱۱، ۴۶۱، ۳۳۱ و ۵۳۰، ریاض نظری محب‌الدین طبری، ج ۲، ص ۱۸۹، طبع مصر، ص ۲۱۴، ۳۱۱، ۳۳۳ و ۲۰۹؛ اُسدالغابه،ابن کثیر، ج ۲۶۹۵، خطی و ۵۲۳؛ موفق ابن احمد در مقتل الحسین، ص ۶۶، طبع الغری،ص ۹۹، صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۴۸، طبع صادی مصر، مجمع الزواید، ج ۹، ص ۱۶۶،طبع قاهره، ص ۱۶۹، ۱۸۴، ۱۸۲، ۱۷۴، ۱۶۹ و ۱۳۱، تذکره، ابن جوزی، ص ۲۴۴، طبع الغری حافظ احمد حنبل در مسند، ج ۱، ص ۴۴۲، طبع میامیه مصر، ص ۷۷.القول فصل حداد علوی حضرمی، ص ۲۹، طبع جاواج ۲، ص ۳۵ و ۳۰، مستدرک حاکم، نیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۹، طبع حیدرآباد دکن، ص ۱۳۷۰، ۱۵۱؛ ذخایر العقبی،ص ۲۵، ۲۳، ۹۱، ۱۳۰، ۱۲۳؛ معجم الکبیر، ص ۱۳۰، طبع جامعه الطهران، طبع خطی،ص ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۰۳، ۵۲؛ معجم صغیر، ص ۱۵۸، طبع دهلی، ص ۱۹۹؛ بدایه و نهایه، ابن کثیر دمشقی، ج ۸، ص ۲۰۵، ۳۶، ۲۰۷؛ جامع الاصول، ج ۱، ص ۱۰۲، طبع محمّدیه مصر؛ شفاء قاضی، عیاض، ج

۲، ص ۴۲، ۱۶؛ تاریخ ذهبی، ج ۳، ص ۸، طبع مصر، ص ۵، ج ۲، ص ۶۰؛ مقتل الحسین، ص ۹۹، طبع الغری، ص ۶۱، ۱۱۱، ۱۰۳، ۶۶،۹۵، ۵۹، ۶۶، ۵۹، ۱۴۵، ۱۰۷، ۷۵، ۱۰۸؛ تاریخ بغدادی، ج ۷، ص ۱۳۶، طبع مصر، ج ۱۳،ص ۲۸۷؛ اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۲۳، طبع مصر، ج ۴، ص ۲۹، ۱۰۹، ۹۴؛ کنزالعمّـال، ج ۵،ص ۹۲، طبع میامیه مصر و ص ۱۰۶، ۹۴، ۱۲۷، ۹۶؛ اخبار اصفهان، حافظ ابونعیم، ج ۱،ص ۹۱؛ سیر اعلام نبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۹۱، ج ۳، ص ۱۷۱، طبع مصر؛ تاریخ اسلام،ذهبی، ج ۲، ص ۹۱، طبع دارالمعارف مصر، ج ۳، ص ۶؛ کفایه الطالب، ص ۱۹۸ و ۱۸۴؛سنن الهدی، احمد حنفی قدوسی، ص ۵۶۵، خطی؛ طبقات معتزله، ص ۸۲، طبع بیروت،نظم دررالسمطین، زرندی، ص ۲۳۲، طبع قضاص، ص ۲۱۰ ، ۲۱۳؛ فصل الخطاب،بخاری، ص ۳۷۰، طبع اسلامبول؛ طبع ینابیع الموده؛ محاضرات الادباء، ج ۴، ص ۴۷۹،طبع بیروت؛ شکوه المصابیح، خطیب تبریزی، ج ۳، ص ۲۵۸، طبع دمشق؛ علم الکتاب،سید خواجه میر، ص ۲۵۴، طبع دهلی؛ فرایدالسمطین، حموینی، خطی؛ ذخایر الموارث عبدالغنی نابلوسی، ج ۱، ص ۲۱۳، طبع قاهره، ج ۳، ص ۱۴؛ تهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۲۹۷، ج ۱۰، ص ۴۳۰، طبع حیدرآباد الجمع بین صحاح، خطی ابوالحسن زرین عبدری؛ انوار محمدیه، ص ۴۳۷، طبع ادبیه بیروت، مؤلف شبهانی،ص ۶۲۹.

امام حسین الگوی عمل

در امر به معروف و نهی از منکر، باید روش عقلانی به کار گرفته شود، نه افراط و تفریط؛ زیرا افراط و تفریط روش ظالمان و جاهلان است است که باعث سلب اعتبار می گردد.انسان های جاهل به روش عقلائی هدایت می گردند و لذا در تمام روش های عقلائی

و حکیمانه از جمله در امر به معروف و نهی از منکر، بایـد الگوی ما، اهل بیت عصـمت و طهارت از جمله امام حسن و حسـین (ص) باشـد چنـان که در روایـات متعـددی به این معنـا اشاره شـده. علامه مجلسـی«ره» در بحارالانوار چنین نقل می کنـد:«اَن ّ الحسن والحسین (ص) مرّا علی شیخ یتوضّأ ولا یَحْسُن، فأخـذا فی التنازع یقول کل واحـد منهما: أنت لا تحسن الوضوء فقالا: أیّها الشَّیـخ کن حکماً بیننا یتوضّا کل واحد منّا فتوضّأ قالا: أیُنا یحسن؟ قال: کلاکما تحسـنان الوضوء ولکن هذا الشیـخ الجاهل هو الـذی لم یکن یحسن! وقـد تعلّم الان منکما وتاب علی یـدکما ببرکتکما و شـفقتکما علی اُمّه جـدّکما».«روزی امام حسن و امام حسـین (ص) از جایی عبور می کردنـد، مشاهده فرمودند که پیرمردی در حال وضوگرفتن، اشـتباه وضو می گیرد، در این حـال، امام حسن و امام حسـین (ص) هریک فرمودنـد: وضوی من بهتر است! در این صورت نزد پیرمرد آمدنـد وفرمودنـد: ای پیرمرد! ما دو نفر وضو می گیریم و شما تماشا کنید و بعد قضاوت کرده وبگویید آیا وضوی کدام یکی از ما بهتر است! بعد از آن، هر دو برادر وضو گرفتنـد و هنگامی که وضو گرفتن پایان یافت، سؤال کردنـد وضوی کـدام یک از ما بهتر است؟!پیرمرد جاهل وقتی که جریان را مشاهـده کرد؛ فرمود: وضوگرفتن هردوی شـمانیکوست، این وضوی من است که درست نبوده، لکن فعلاً با برکت لطف و مهربانی شماکه بر امّت جدتان دارید، وارد شدم».

شهادت سرور شهیدان

یکی از مصـیبت های جانسوزی که به دست عده ای از سـتمگران و ظالمان، بعد ازرحلت رسول خدا (ص) بر اهل بیتش: وارد گردید، شهادت مظلومانه امام حسین (ع) با اهل بیتش، در سرزمین کربلا بود.سلمی گوید: «دخلت ُعلی اُم سلمه وَهی تَبکی

فقلت ما يُبكِيك؟ قالت: رأيت رسول الله (ص) تعنی فی المنام وعلی رأسه وَلِحيتِهِ التراب، فقلت: ما لک يا رسول الله؟ قال (ص): شهدت قتل الحسين آنفاً».«منزل ام سلمه رفتم که در حال گريه بود، گفتم: چرا گريه می کنی؟ در جوابم فرمود:رسول خدا (ص) را در خواب ديدم که با محاسن خاک آلود بود، سؤال کردم ای رسول خدا چرا محاسن شما خاک آلود است؟!فرمود: «الان شاهد کشته شدن حسين بودم».هم چنين از ام سلمه نقل شده است که گفته: «کان النبی (ص) جالساً ذات يوم فی بيتی فقال: لا يدخلن علی أحدٌ، فانتظرت فدخل الحسين فسمعت نشيج (صوت معه توجع و بکاء کما يرد الصبی بکاءه فی صدره) النبی يبکی اطلعت فإذاً الحسين فی حجره أو إلی جنبه يمسح رأسه وهو يبکی، فقلت والله! ما علمت به حتّی دخل فقال النبی (ص): إن جبرائيل کان معنا فی البيت فقال: أتُحبُّه؟ فقلت: أمّا من أحب الدنيا فَنَعِم.فقال: «إن اُمّتک ستقتل هذا بأرض يقال له کربلا، فتناول جبرائيل من ترابها فأراه النبی، فلمّا اُحيط بالحسين حين قُتل قال: ما اسم هذه الارض؟ قالوا: أرض کربلا. قال (ع) صدّق رسول الله (ص) أرض کرب و بلا.»«روزی رسول خدا (ص) در خانه نشسته بود که فرمود: کسی نزد من نيايد! ام سلمه گفت: من در حال انتظار بودم که امام حسين (ع) نزد رسول خدا آمد، سپس شنيدم که پيامبر مانند بچه ای که گريه را در گلوی خود می پيچد، گريه می کند. آگاه شدم که پيامبرحسين را در دامان يا پهلوی خود نهاده و دست بر سر و صورت او می کشد و گريه می کند.سؤال کردم: به خدا قسم من از روزی که نزد شما آمده ام چنين حالتی را

ندیـدم.رسول خـدا (ص) فرمود: به درسـتی که جبرئیـل در خـانه نشسـته بود و فرمود: ای رسول خـدا!حسـین را دوست داری؟ گفتم: بلی. جبرئیل فرمود: به درستی که بعـد از تو به زودی امتت او را در سـرزمینی به شـهادت می رسانند که کربلا نام دارد. سپس جبرئیل مقداری خاک برداشت و به پیامبر نشان داد. هنگامی که دشـمن، امام حسـین (ع) را احاطه کرده بود، امام سؤال کرد که این سـرزمین چه نام دارد؟! اصـحاب فرمودنـد: کربلا. امام حسـین (ع) فرمود:جـدم رسول خدا راست فرموده بود. این زمین، پر مشقّت و پر بلاست.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

